



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹، ۸۸۶۵۸۵۷۵
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۱۳۰-۵
چاپ: کاراپام - تلفن: ۴۴۹۸۲۹۶۹
www.sharhnewsaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۷ اذان مغرب ۲۰:۴۵ اذان صبح فردا ۴:۰۴ طلوع آفتاب ۵:۵۰

به عبارت دیگر

شایکان و تفکر آینده‌ما

بیژن عبدالکریمی



■ ۱- جای بسی تاسف است که ارزش متفکران، هنرمندان و سرمایه‌های فکری، معنوی و فرهنگی کشورمان در بسیاری از اوقات باید در خارج از ایران تعیین شوند و سپس، بعد از اینکه این ارزش‌گذاری در خارج از کشور صورت گرفت، ما به تبع غربیان، پی به سرمایه‌های فکری و فرهنگی خویش ببریم. ما در دورهای از انحطاط تاریخی خود به‌سر می‌بریم که درست همان‌گونه که قدرت‌بهربرداری از منابع طبیعی خود، مثل نفت و گاز و معادن را نداریم، قدرت استفاده از منابع فکری و معنوی خویش را نیز از دست داده‌ایم. بی‌تردید، داریوش شایکان یکی از سرمایه‌های فرهنگی این سرزمین در دوره معاصر است و متأسفانه نه دانشگاهیان، نه حوزویان و نه حتی روشنفکران ما با او وارد دیالوگی درخور نشدند. ما از کنار شخصیت‌ها و سرمایه‌های فرهنگی خویش به سهولت عبور می‌کنیم و با سکوت‌مان آنها را زنده‌ننده مدفون می‌سازیم.

۲- به اعتقاد اینجانب، دکتر شایکان جایگاه خاصی در تاریخ‌نگار ما دارد. توجه به این نکته را مدین دوست عزیزم، دکتر مهدی مجاهدی هستم، دکتر مجاهدی در مقاله‌خود با عنوان «خصلت رنگین‌کمانی و خاصیت اینگی» که در مجموعه مقالات «مونیسم یا پلورالیسم؟ واکاوی هستی‌شناسی یک نظریه اجتماعی» که تحلیل و نقدی بر دیدگاه دکتر شایکان در کتاب «فسون‌زدگی جدید» بود، به درستی به این نکته اشاره داشتند که در تاریخ‌نگار ما این دکتر شایکان بود که پروژه وحدت‌گرایانه (مونیستی) اشنتی دادن و سازگار کردن عقلانیت دینی عبری و عقلانیت متافیزیک یونانی را که در گذشته و در فلسفه‌های سنتی و کلاسیک ما به شکل تعارض «عقل و دین» یا «وحی و فلسفه» مطرح بود و در دوره جدید به صورت تعارض سنت و مدرنیته مطرح شد، به نحوی کسلاً آگاهانه و البته از منظر ی پست‌مدرنیستی کنار گذاشت و طریقی کثرت‌گرایانه (پلورالیستی) در پیش گرفت و از هویتی متکثر و چهل‌تکه سخن گفت. توضیح بیشتر اینکه در سنت تفکر اسلامی ما، همه فیلسوفان ما، از فارابی و ابن‌سینا گرفته تا ملاصدرا، البته به استثنای ابن‌رشد با اعتقادش به وجود حقایق مضاعفـ و در دوره جدید همه مصلحان و اندیشمندان ما از سیدجمال‌الدین اسدآبادی گرفته تا عبده و طنطاوی و سرسیداحمدخان و اقبال و از مهدی بازرگان و نخشب گرفته تا شریعتی و سروش، همه و همه خواهان نیل به نظامی نظری بودند که در آن عقل و وحی، دین و فلسفه با به تعبیری امروزین، سنت و مدرنیته با عقلانیت سنتی و عقلانیت مدرن به نحوی سازگار و نظام‌مند وحدت یافته و به هم‌نشینی و هم‌زیستی در کنار هم بپرازند، در حالی که داریوش شایکان در کتاب «فسون‌زدگی جدید»ش با طرح هویت چهل‌تکه و تفکر بسیار از اساس امکان یک چنین طرح مونیستی و وحدت‌گرایانه را مورد پرسش و تردیدی جدی قرار داد و در مقابل از طرحی پلورالیستیک و کثرت‌گرایانه دفاع کرد و از اساس امکان نیل به یک نظام نظری سازگار و منسجمی را که بتواند به‌نحو موفقیت‌میزی عقلانیت عبری و عقلانیت متافیزیکیی یا سنت و مدرنیته را در ساخت‌نظر و- نه در ساخت عمل - کنار هم بنشاند، انکار کرد. به این اعتبار، صرف‌نظر از پذیرش یا عدم پذیرش، موافقت یا مخالفت با این رای، باید شان و جایگاه خاصی در تاریخ تفکر معاصرمان برای شایکان قابل بود و جای داشت که حوزویان، دانشگاهیان، روشنفکران و صاحب‌نظران ما این پروژه فلسفی را مورد امعان نظر بیشتر قرار داده و وارد دیالوگی فلسفی با شایکان، یعنی با یکی از معدود چهره‌های فکری مایرانیان که در این دوره تاریخی، توانسته است ارزشی نسبتاً جهانی بیابد، می‌شدند. به اعتقاد اینجانب، از این به بعد هر اندیشه‌ای که خواهان وحدت‌بخشی بین عقلانیت سنتی و عقلانیت مدرن، است، نمی‌تواند به موضع شایکان مبتنی بر تردید در امکان نیل به نظامی مونیستی برای سازش عقل و ایمان یا سنت و مدرنیته‌ی تفاوت‌یابد.

پیشخوان

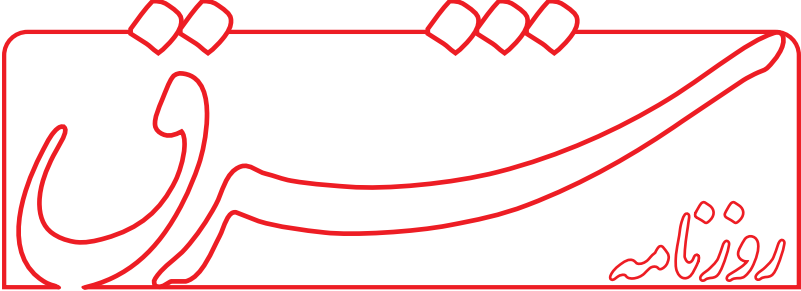
باز هم شبیه خوب

■ شبیه خوب دیگری از راه رسید و چلچراغ ۴۳۱ به دهکاه روزنامه‌فروشی آمد. شمارای که عکس بهرام رادان در حالی که ماری عظیم‌الجثه بر دوش دارد را روی جلد دارد و به همین مناسبت پروندهای تدارک دیده است مفصل برای حیوانات خانگی، خدایانی و جنگلی، پرسش این هفته چلچراغ هم به این موضوع اختصاص یافته است که «ولایت‌های شما در زندگی چه چیزهایی است» و در آن نویسدگان و چهره‌های ادبی و سینمایی کوشیده‌اند تا هر کدام از درجه نگ‌خود به آن پاسخ گویند. جذاب‌ترین بخش این شماره شاید پروندهای باشد که چلچراغ ۴۳۱ برای ۱۲۳ سالگی کافکا تدارک دیده است و چهار صفحه این شماره خود را به آن اختصاص داده است.

شرق

روزنامه

یکشنبه ۵ تیر ۱۳۹۰ ۲۳ رجب ۱۴۳۲ ۲۶ ژوئن ۲۰۱۱
سال هشتم - شماره پیاپی ۱۲۷۹ - شماره ۳۵۵ دوره جدید - ۲۰ صفحه



پیتر فالک، هنرپیشه آمریکایی در گذشت

شرق: پیتر فالک، هنرپیشه نامی سینما و تلویزیون آمریکادر ۸۳ سالگی در گذشت. این هنرپیشه محبوب شامگاه پنجشنبه در خانه خود در بورلی هیلز (لس آنجلس) درگذشت.
بیشترین شهرت او به خاطر ایفای نقش «ستوان کلمبو» بود؛ یکی از جناب‌ترین کارآگاهان تاریخ نمایش که به‌خاطر آن چهاربار جایزه «می» را دریافت کرد. پیتر فالک ۶۹ بار در نقش کلمبو ظاهر شد و این کارآگاه صمیمی و فروتن را به شهرت جهانی رساند؛ یک‌بار از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ و بار دیگر در سال ۱۹۸۹ میلادی در ایران. پیتر فالک با صدای منوچهر اسماعیلی، دوبلور نامی ایران شناخته شد.

کارتون خواب

حسن کریم‌زاده

www.karimzadehstudio.com



برداشت آخر

آکادمی فرانسه به داریوش شایکان مدال اهدا کرد

ستایش از فیلسوف گفت‌وگوها

حمید جعفری



«مدال اصلی نویسنده غیرفرانسوی‌زبان (فراکوفونی) به داریوش شایکان، فیلسوف و رمان‌نویس ایرانی اهدا شد.» این جمله‌ای از اطلاعیه آکادمی فرانسه است که طی آن به‌معرفی «داریوش شایکان» به عنوان یکی از برگزیدگان سال ۲۰۱۱ پرداخته است که پیش از این نیز جایزه جهانی گفت‌وگو را در ویت‌رین افتخارات خود دارد. در حالی مدال اصلی آکادمیک فرانسه بر سینه «داریوش شایکان» خواهد درخشید که نام «باسمین خضر»، نویسنده الجزایری

و «عبدل لطیف‌لمعی» نویسنده مراکشی به عنوان برندگان اصلی سال جاری میلادی به چشم می‌خورد. به گزارش نشریه فرانسه «کسپرس»، اصلی‌ترین جایزه بزرگ ادبیات که ۴۰ هزار یورو است، امسال به «باسمین خضر»، رمان‌نویس مشهور الجزایر اختصاص پیدا کرد. البته نام واقعی این نویسنده «محمد مولهپول» است. دومین جایزه بزرگ ادبیات به ارزش ۱۵ هزار یورو به پاس یک عمر فعالیت‌های «ژان برنار یونثالی»، فیلسوف، روانکاو و داستان‌نویس فرانسوی اهدا شد. اما در بخش نویسندگان غیرفرانسوی‌زبان جایزه بزرگ و اول به‌ارزش ۲۲۵۰۰ یورو به «عبدل لطیف لمعی»، نویسنده مراکشی اهدا شد و مدال اصلی نویسنده غیرفرانسوی‌زبان هم به «داریوش شایکان» فیلسوف و رمان‌نویس ایرانی اختصاص پیدا کرد. «شایکان» سال‌هاست که بیشتر وقش را در فرانسه می‌گذراند و به زبان فرانسوی می‌نویسد. «آسیا در برابر غرب»، «فقلاب مذهبی چیست؟»، «نگاه شکسته» و «فسون‌زدگی جدید» از آثار به نام اوست که اولی و آخری، یکی پیش از انقلاب به زبان فارسی نوشته شده و یکی دو سال پیش در ایران ترجمه و منتشر شده است، اما آن دو دیگر که به موضوعی سیاسی پرداخته‌اند، همچنان به زبان فرانسوی هستند. این اول بار نیست که نام این فیلسوف و رمان‌نویس ایرانی در دنیای فرهنگ و اندیشه مطرح می‌شود. ۲۷ ژانویه بود که به جایزه جهانی گفت‌وگو ۲۰۰۹ به «داریوش شایکان» در سال کنسرت آرهوس، دانمارک اهدا شد. پروفیسور «هانس کولر» در این مراسم متنی باعنوان «در ستایش داریوش شایکان» خواند و گفت: «ما در این سال باشکوه در شهر آرهوس گروه‌م آندامیم تا یک شخصیت ممتاز را گرامی بداریم. همچنین گروه‌م آندامیم تا موقعیت بی‌همتایی را که به منظور یادآوری و آگاهی‌بخشی، یکی از چالش‌های عمده نظام جهانی در قرن

کلبه کوچک من

شمایل کلمه (۲)

اردشیر خرمکوب

در شماره پیش، گفتم که من در شهر لس آنجلس آمریکا به زندان افتادم. در آنجا و در سلول تنگی که مرا در خود فشرده بود، اگرچه با من هیچ امکانی نبود، قرآنی اما بود، و من، تصمیم گرفتم با اعتنا به یافته‌های هنری خویش، به قرآن بنگرم. در آن روزهای پر از هول و هراس، داشتن کاغذ و قلم برای من و دیگرانی چون، من، ممنوع بود. من اما قلمی از یک مامور ربه‌ده بودم و به بهانه‌ای، هر روز، سه‌برگ دستمال کاغذی از نگهبانان آن سویی سلول خویش می‌گرفتم. این سه برگ را که از هم‌وا می‌گشودم، به شش برگ تا کتر دست می‌یافتم. شش صفحه برای نوشتن هر روزه. پس مرا بهانه‌ای برای نوشتن نبود. در آن سلول تنهایی - که من از آن به «کلبه کوچک من» یاد می‌کنم - من بودم و روزها و شب‌های کند گذر، و قرآنی که به من می‌گفت: در من، حالات‌های هنری نیز هست. حتی به اصطلاح خود شما هنرمندان: کاریکتاو! آری در من اگر نیک بنگری، «کاریکتاو» نیز خواهی یافت. پس برگرد و به قدر بضاعتی که مدعی‌امی، معدن‌های زیبایی مرا کشف و استخراج کن، و من، بعد از یک ماه بالاتکلیفی دست به کار شدم. و از این‌چند منظر هنری - که یک به یک خواهد آورد - به گردیدای از آیه‌های قرآن نگریستم: ادبیات = از نگاه من و متناسب فهمی که نسبت به ظاهر ادبی قرآن دریافت کرده‌ام، ادبیات در قرآن، به: مهندسی کلمه‌های آن گفته می‌شود. به: نوع واژگان انتخابی، به: نحوه چینش آنها، به: تناسب و تقدم و تاخر کلمه‌ها و جرها و به: موزون بودن کلمه‌های انتخابی، به: یکدستی ترکیب نهایی عبارت‌ها و جمله‌ها و در نهایت، به: معنای کاغذی که از یک چنین مهندسی مکتوب مستفاد می‌شود. من در کلبه کوچک خود، نه دسترسی به کتابی داشتم‌ام و نه بعدها که این نوشته شکل کلی خود را باز یافت، تلاش کرده‌ام آن را با کتاب‌های مرجع قرآنی همسنگ کنم؛ چرا که نمی‌خواست‌م این برگ سبز درویشی من، را راستگی افزون‌تری پیدا کند. آراستگی‌ای که من از آن بی‌بهره بوده باشم.

گمان دارم تنگنای همه جانبه آن کلبه کوچک جنگلی، در ذات این اثر بی‌تاثیر نبوده است، اما همان تنگنا، که من حسی جوشانده که در فضای درندشت بیرون کلبه، از آن خبری نبوده و نیست، به همین دلیل این اثر، با همه کاستی‌هایش، طعم ویزهای دارد که آن را با نوشته‌های تحقیقاتی متفاوت می‌کند. من در آن کلبه، تنها خودم بودم و تجربه‌های هنری‌ام.

ادامه دارد



باران

تغییر

هادی حیدری

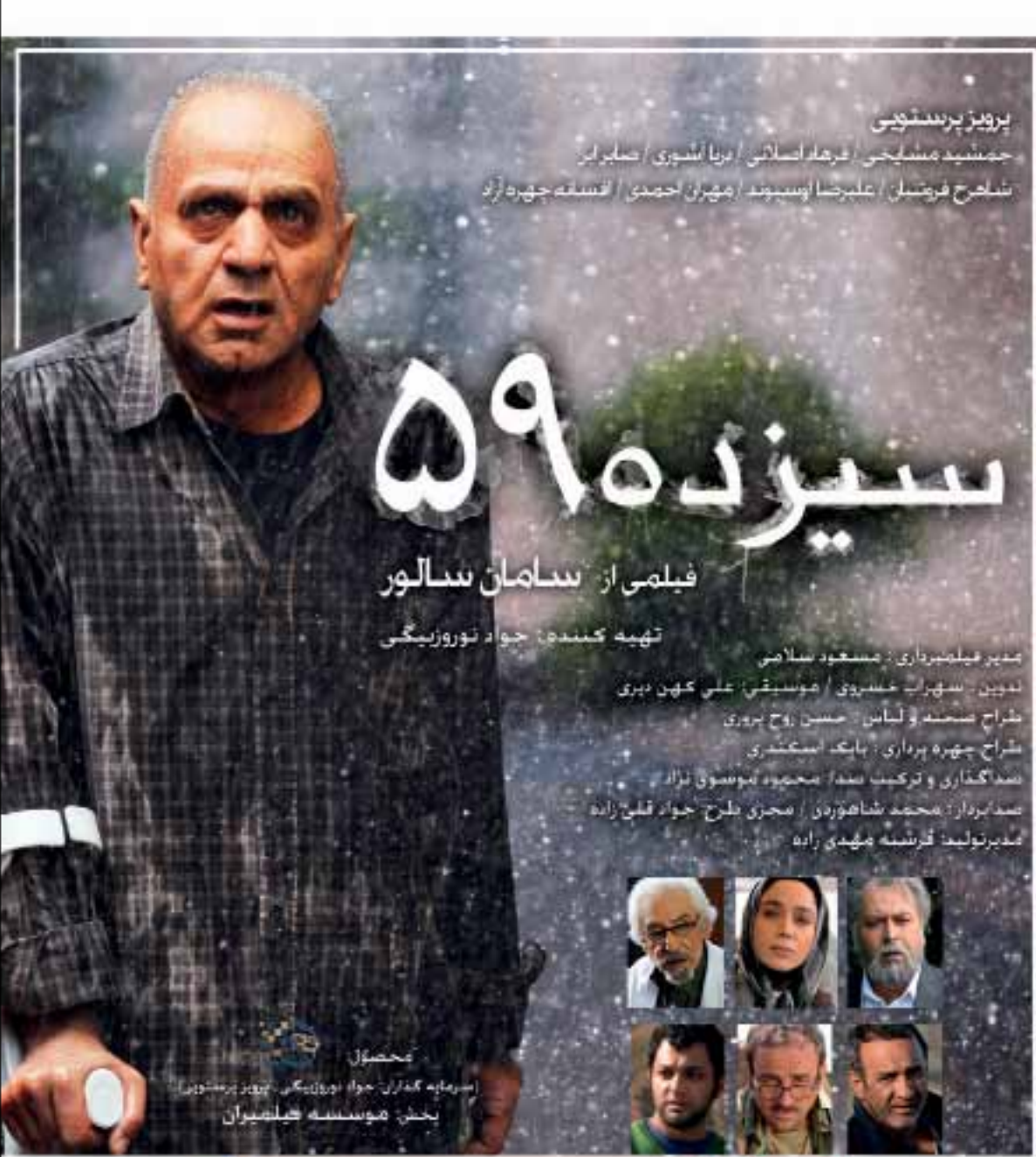


■ جلوی تلویزیون نشسته است. باو لعل تخمه‌ها را پوست می‌کند و هی داد و هوار می‌کند که: «پاس بده به اون، شوت بز، نرو، برو، لامصب...» آن‌قدر در حس فرو رفته که گویی بازیکنان داخل زمین فوتبال، صدایش را می‌شنوند. عاشق فوتبال است. جمعه‌ها روزی است که با رفقا می‌رود سالن فوتبال. وقتی روز موعود فرامی‌رسد، مانند کودکی که اسباب‌بازی‌هایش خریداند، در پوست نمی‌کنجد. بازی را که شروع می‌کند انگار تمام نسخه‌هایی که مقابل صفحه برای بازیکنان تیم محبوبش می‌پیچید را فراموش می‌کند؛ نه پاس می‌دهد، نه آن‌چنان که باید می‌دود، نه خوب استارت می‌زند و نه بازیکن خالی را در زمین می‌بیند تا با یک پاس، صاحب موقعیت‌اش کند.

آدم وقتی در زمین بازی ایستاده است، به اندازه قد و قواره‌اش، اطرافش را می‌بیند. افق نگاهش در امتداد چشم‌هایش است. در میان آدم‌ها گم می‌شود و فضا را شلوغ می‌بیند. بعضی وقت‌ها دست‌هایش بسته است. ذهنش قفل می‌شود. آینده را نمی‌بیند و طرحی برای روزمره‌گی‌هایش ندارد. بعضی وقت‌ها در قالب‌های خود ساخته گرفتار می‌شود و ذهنش که زنگار قالب‌ها را به خود گرفته، دست و پایش را نمی‌اندازد. زنگار و زنجای بر ذهنش زده باشند می‌دانی؟ همه تفاوت‌ها از زاویه نگاه‌های ما به وجود می‌آید. کسی که از تلویزیون، بازی فوتبال را می‌بیند، از آن‌رو می‌فهمد که فلان بازیکن در موقعیت گل قرار دارد، چرا که دوربین از زاویه بالا، زمین مسابقه را نشان می‌دهد. کافی است در زندگی، کمی زاویه‌های ذهن‌مان را تغییر دهیم. کمی خود را بالا بکشیم و نگاهمان را کمی، فقط کمی عوض کنیم؛ آنگاه خواهیم دید که همه چیز رنگ دیگری خواهد گرفت. آدم‌رانگی می‌شوند. زیبایی‌های دنیا، خودنمایی می‌کنند. حلال‌ها حرام نمی‌شوند و امید به درچه‌روحت راه خواهد یافت.

بیا بیم کمی زاویه نگاهمان را تغییر دهیم.

از صبح چهارشنبه در سینماهای تهران و شهرستانها



شرکت غذاهای آماده، پ.آ حامی فیلم‌های فاخر

